

سردار بیدار

داستان مبارزات دلیرانه عباس میرزا
در برابر امپراطوری روسیه تزاری

مجید جمالی



انتشارات بین‌المللی الهدی
بهار ۱۳۸۹

- موسسه : جمالی، مجید
عنوان و نام پدیدآور : سردار بیدار (داستان مبارزات دلیرانه عباس میرزا در برابر امپراطوری روسیه)
مصحفات بشر : تهران: بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۸.
مصحفات فاهری : ۲۸ ص.
سازگ : 978-964-439-411-9
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : عباس میرزا قاجار. ۱۲۰۳ - ۱۲۴۹ ق.
موضوع : ایران -- تاریخ -- قاجاریان. ۱۱۹۳ - ۱۳۲۲ ق. - جنگ با روسیه. ۱۲۱۸
زده نمادی کتک : ۱۳۸۸ ص ۴ - ۸ ج DSR ۱۳۵۲
زده نمادی دهویی : ۹۵۵ - ۷۲۳
شماره کاتالوژی ملی : ۱۹۷۳۸۳۵

انتشارات بین‌المللی الهدی
تهران - صندوق پستی: ۴۳۶۳ - ۱۴۱۵۵
تلفن: ۸۸۸۹۵۰۰۳ - ۸۸۸۹۷۶۶۱ نمابر: ۸۸۸۹۵۶۵۴



عنوان: سردار بیدار (داستان مبارزات دلیرانه عباس میرزا در برابر امپراطوری روسیه تزاری)
مؤلف: مجید جمالی
یادداشت: دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی
نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۹ هـ. ش
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
ناشر: انتشارات بین‌المللی الهدی
شابک: ۹ - ۴۱۱ - ۴۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

یادداشت

دوست با ذوق با کمال ما آقای مجید جمالی فاضل محترم و هوادار اهل تاریخ رساله کوتاهی در باب عباس میرزا نوشته‌اند که اینک در دسترس خوانندگان محترم قرار دارد.

ما سه عباس میرزای نام آور در تاریخ قاجار داریم که اولی - ولیعهد فتحعلی شاه بود - که قبل از مرگ پدر درگذشت و البته به سلطنت نرسید، ولی شهرت نام او، عباس میرزاهای دیگر را در سایه نگاهداشته است - به علت مجاهدات او در جنگ ایران و روسیه - جنگ‌هایی که با لشکر تزار رخ داد تزاری که بیست سالی پیش از او، یعنی در زمان آقا محمدخان، لشکر توپ‌انداز ناپلئون را در مسکو آتش‌گیر، و بعد در غرب روسیه باتلاق گیر کرد و آخر کار هم او را سنت هلن نشین کرد که در همان جزیره دور افتاده - رؤیای اتحاد اروپا را - این هیزم شکن اروپا - به تعبیر ویکتور هوگو - به گور برد - تا دویست سال بعد از او به همت دو زن - خانم تاجر و خانم آنجلا مرکل و یکی دو تا مرد مثل میتران اتحاد اروپا سر از گور در آورد.

عباس میرزای دوم برادر ناصرالدین شاه است - که به اتهام ادعای ولیعهدی و مآلاً سلطنت - در بدر روزگار و به قول جمال‌الدین

عبدالرزاق، خلیفه‌زاده گلخن نشین شد - و خاطرات او توسط مرحوم عبدالحسین نوائی و با مقدمه استاد بزرگ عباس اقبال آشتیانی در همان روزهایی منتشر شد که مخلص هم افتخار شاگردی عباس اقبال را داشت. ملک آرا در ۱۳۱۶ هـ / ۱۸۹۸ م. در گذشته است.

عباس میرزای سوم پسر عبدالحسین میرزا فرمانفرما پسر فیروز میرزا فرمانفرما پسر عباس میرزا ولیعهد است که لقب سالار لشکر داشت و عمری کوتاه کرد - دخترش با خانواده حاج رحیم اتحادیه وصلت کرد و خانم منصوره اتحادیه دختر علی اتحادیه از احفاد اوست که انتشارات تاریخ را اداره می‌کند و همکار ما در دانشگاه است. اما هم چنانکه گفتم سایه سنگین عباس میرزای اول - به خاطر جنگ‌های ایران و روسیه که بسیار هم سنگین شده - این دو را تحت‌الشعاع قرار داده - هر چند آن جنگ‌ها برای ایران نتیجه‌ای نداشته است.

به خاطر دارم که پیش از انقلاب، مؤسسه فرانکلین - به همت همایون صنعتی‌زاده - یک سری کتاب تحت عنوان قهرمانان تاریخ ایران منتشر کرد - و دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن استاد محترم آن را سرپرستی می‌کرد. تا آنجا که به یاد می‌آورم کتاب، در باب کوروش کبیر بود و ابومسلم خراسانی تألیف دکتر غلامحسین یوسفی، و کریم خان زند تألیف عبدالحسین نوائی. نگارنده هم کتاب یعقوب لیث را در همین باب نوشتم که آقای دکتر محمد فتحی یوسف رئیس، استاد دانشگاه قاهره، آن کتاب را به عربی ترجمه کرد و در قاهره جزء انتشارات المکتبه الشرقیه، دارالاند العربی منتشر شد (۱۹۷۷ م / ۱۳۵۶ ش)

آن مجموعه را مرحوم ابراهیم رمضانی مدیر انتشارات ابن سینا منتشر کرد، و بعداً زیر همین نام و همان طرح، کتاب عباس میرزا تألیف

مرحوم سیدمصطفی موسوی طبری - به شماره ۱۶ برای جوانان منتشر شد. آن کتاب مقدمه‌ای نیز از مرحوم دکتر علی اکبر بینا داشت - که او نیز استاد مخلص بوده است و کتاب معروف از گناباد تا ترکمن چای از تألیفات اوست.

قضای روزگار است که دو کتاب عباس میرزا مقدمه دو استاد فقید مرا در بردارد، و اینک کتاب سوم به نام عباس میرزا. تألیف آقای مجید جمالی بعد از کتب ابوالقاسم لاجینی و ناصر نجمی استادان فقید در دسترس شماست - و مقرر چنین بود که شاگرد آن دو استاد نامدار - یعنی مخلص پاریزی - بر این کتاب سوم عباس میرزا مقدمه بنویسد - به حساب اینکه چند روزی در کلاسی درس می‌داد - که آن بزرگواران پایه‌گذار آن بوده‌اند - و آقای مجید جمالی نیز چند صباحی در همین کلاس حضور داشته است.

به هر روی امیدوارم رساله این دوست عزیز مورد استقبال خوانندگان گرامی قرار گیرد. و به تکرار باید گفت که جنگ‌های ایران و روسیه و حرکات عباس میرزا - هر چند برای ایران سخت‌گران بار بود - اما از این که جرقه‌ای بود و سوسوئی بود به طرف تجدید و تغییر و مقدمه‌ای بود برای ارتباط ایران با افکار جدید در غرب و مآلاً مشروطه نتیجه آن بود - پس دوره‌ای است که به هر حال قابل مطالعه بیش از این‌هاست.

فروردین ماه ۱۳۸۹ - آوریل ۲۰۱۰م
باستانی پاریزی

مقدمه

تهران، در برابر فواره‌های زیبا
به تخت راحت تکیه داده
در هوای بخارآلود
با نشئهٔ قلیان چرت می‌زد

«لرمونتف، شاعر روس»

در عصر قاجار ایران مرتبه و مقام والائی را که قرن‌ها در آسیا داشت
از دست داد.

آن هنگام که دولت‌های استعمارگر اروپا در تلاش و تکاپوی ترقی و
پیشرفت بودند، عرصه کشور ما میدان تاخت و تاز داخلی و
سیاست‌های مختلف شده و دخالت آشکار و نهان اجانب در امور
داخلی و خارجی فزونی یافت.

انقلاب صنعتی در اروپا پا گرفت و از دل انقلاب فرانسه، ناپلئون
بنابارت سر برآورد. روس، فرانسه و انگلیس رویای امپراطوری‌های
عظیم در سر می‌پروراندند. از این رو، در سطح بین‌المللی رقابت

شدیدی میان این سه دولت استعماری بر سر دسترسی و تصاحب مواد خام و بازار فروش جریان یافت.

ایران به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی خود، بویژه به سبب نزدیکی به هند - که مستعمره انگلستان بود - از دیرباز مطمع نظر چپاولگران قراردادداشت و دو ابرقدرت روس و فرانسه بر آن بودند تا آن را از سیطره انگلستان به در آورده و به مستعمرات خود بیفزایند. در این میان ایران در معادلات و توازن قوای بین‌المللی از جایگاهی خاص برخوردار بود، تا آنجا که هر سه ابرقدرت برای از میدان به در کردن یکدیگر به حمایت ایران نیازمند بودند.

در چنین اوضاع و احوالی، پادشاهان قاجار به جای بهره‌مندی از اختلافات، تنش‌ها و رقابت‌های موجود بین ابرقدرت‌ها بر سر کشورشان، بی‌خبر از آن سوی مرزها و غافل از مقاصد و اهداف آنان، سرگرم عیاشی و خوش‌گذرانی بودند.

در واقع تاریخ مناسبات و روابط سیاسی ایران در عصر قاجار، عبارت بود از تاریخ رقابت‌های بازرگانی و سیاسی بین فرانسه و انگلیس و آنگاه انگلیس و روس. به طوری که درباره فتحعلی شاه جولانگاه تحرکات و رقابت‌های بین فرانسه و انگلیس شد.

رقابت انگلیس و فرانسه بر سر ایران و تجاوزات روس به سرحدات شمالی و کشمکش‌های داخلی استقلال کشور را تهدید می‌کرد.

عدم درک تحولات اروپا و مقتضیات زمان و به تبع آن در پیش گرفتن سیاست‌های غلط، ایران را به جایی رسانده بود که نمی‌توانست نقش شایسته خود را میان دو ابرقدرت رقیب (روس و انگلیس) ایفاء نماید.

در این عصر، به علت بی‌کفایتی پادشاهان، ایران نتوانست به مثابه یک کشور مستقل در صحنه جهانی ظاهر شود، افق فکری شاهان قاجار از سطح حاکمان ایلات و عشایر فراتر نمی‌رفت. و این چنین بود که عباس میرزا سردار نامی ایران، با فداکاری و از خودگذشتگی به نجات ایران همت گماشت.

مجید جمالی